



مصاحبه‌ای بحث برانگیز نشریه همبستگی با منصور حکمت در باره سقط جنین

قسمت دوم

ثریا شهابی: برخی دیگر، بخصوص برخی از فمینیستها، حزب را متهم می کنند که چون جنین را انسان می داند، باید نتیجتاً همچون مذهبیبون اسپرم، و تازه نه هم اسپرم و هم اوول، را هم مقدس بدانند و منشا حیات! اینها نتیجه می گیرند که پس بنابراین طبق نگرش برنامه، اساساً باید مخالف هر نوع جلوگیری از بارداری بود.

منصور حکمت: اسپرم، و جسارتاً اوول هم، تقدس خاصی ندارد.

بحث خیلی روشن بر سر موجود جدیدی است که با ترکیب این دو بوجود آمده و دنباله در صفحه بعد



لایحه ارتجاعی خانواده نقدهای ارتجاعی ملی اسلامی گفتگو با آنر ماجدی

آزادی زن: میانی نقد شما به لایحه خانواده دولت اسلامی چیست؟ جایگاه و اهمیت سیاسی این لایحه را چگونه میبینید؟ این لایحه چه جایگاهی در زن ستیزی رژیم اسلامی دارد؟ در صورت تصویب این لایحه چه تغییری در زندگی زن و تحمیل فرودستی بیشتر به زن ایجاد خواهد کرد؟

آنر ماجدی: این لایحه، همانطور که انتظار میرفت، یک لایحه ارتجاعی و ضد زن است. آیا میشود از جمهوری اسلامی انتظار دیگری داشت؟ این یک رژیم اسلامی است و قوانین اش اسلامی است. اما این لایحه تفاوت چندانی با آنچه تاکنون پیاده میشده ندارد. یک بند آن که دنباله در صفحه ۶

لایحه ارتجاعی خانواده و نقد ارتجاعی ملی - اسلامی

آنر ماجدی

مکان: شبکه پالتاک، گروه خاور میانه - ایران

زمان: یکشنبه ۲۴ اوت ۲۰۰۸

ساعت ۹ شب به وقت اروپای مرکزی، ۱۱،۳۰ شب به وقت ایران و ۱۲ ظهر به وقت لس آنجلس

در این اتاق دوستان از ایران و ترکیه نیز میتوانند بدون مشکل شرکت کنند.



سخن سردبیر شماره ۴۹

لایحه‌ای عقب افتاده، غیر انسانی و ضد زن

با تاخیری یکماهه شماره ۴۹

را منتشر میکنیم. دلیل تاخیر را باید به گردن تعطیلات تابستانی و هجوم مهمانان تابستانی به خانه من و اعضاء دیگر هیئت تحریریه بیندازم. هیچ عذر و بهانه‌ی دیگری ندارم.

بحث لایحه خانواده در ایران و تلاش فعالین زنان در ایران برای تاثیر گذاری برای تغییرات در آن به یک جدل جدی تبدیل شده است. لایحه خانواده ای که به مجلس هشتم ارائه شده است چیزی جز عقب ماندگی و عدم شناخت حقوق اولیه انسانها توسط جمهوری اسلامی نیست. این لایحه نهایت ارتجاع و مرد سالاری است و تعریف دیگری برای آن نمی توان ارائه داد. اینکه این لایحه دست آویزی برای عرض اندام گروه های مختلف درون حکومت شده است هم عجیبتر از خود لایحه نیست. لایحه خانواده تلاش برای سرکوب بیشتر زنان در ایران است. در دنیای امروز این حق ابتدائی، یعنی رابطه دو فرد بر اساس انتخابی آزاد و بدون هیچ قید و شرط و دخالت سیاسی و مذهبی، در بسیاری از جوامع به رسمیت شناخته شده است. در جمهوری اسلامی هنوز هرگونه اقدام شخصی افراد بزرگسال برای ایجاد ارتباط با یکدیگر باید از زیر تیغ قوانین شریعت رد شود.

لایحه خانواده و جدل حول آن باید به وسیله ای برای حمله به کلیت این نظام عقب مانده و ارتجاعی تبدیل شود. نباید اجازه داد بار دیگر توهم براکنی حول اینکه چه چیزی اسلامی و عین اسلام است به بستر اصلی تبدیل شود. جنبش برابری طلب باید آلترناتیو رادیکال خود را در مقابل جامعه قرار دهد و فعالین رادیکال و برابری طلب را حول آن بسیج کند و سازمان دهد.

بار دیگر قتل ناموسی دیگری در مریوان مردم شهر را در بهت و ناباوری فرو برد. این بار قربانی فرشته نجاتی دختر ۱۸ ساله ای است که بدست پدرش بطور فجیعی به قتل رسیده است. در ماه گذشته این دومین بار است که در منطقه مریوان در کردستان زنان جوان این چنین قربانی ناموس پرستی و ارتجاع میشوند. ناموس پرستی هر ساله قربانیانی از میان زنان جوان را درو میکند. برای پایان بخشیدن به این تراژدی انسانی باید بطور جدی راه چاره ای پیدا نمود. اعتراض مردم در هنگام خاکسپاری فرشته را باید بعنوان یک سرآغاز برای این پایان دید.

پروین کابلی

چند خبر از قتل‌های ناموسی در صفحه ۷ و ۸

ستم بر زن موقوف!

به دنیا آوردن نوزاد و توضیح حقوق مادر و کودک و وظایف دولت و جامعه در قبال آنهاست. قابل تصور است که درصدی از زنانی که مراجعه می کنند حاضر بشوند از سقط جنین صرف نظر کنند. خلاصه من لزوما تخمین آماری تو از نتیجه قانونی شدن سقط جنین را محتمل نمی دانم.

ثانیا، همانطور که گفتی برنامه ما فقط شامل قانونی شدن سقط جنین نیست، بلکه حاوی اقدامات فوری و حیاتی ای برای ایمن کردن روابط جنسی و گسترش کاربست لوازم جلوگیری است. قبول دارم، اینکه رابطه جنسی آزاد و ایمن به یک جزء ثابت و مسجل فرهنگ جامعه تبدیل بشود حتما زمان می خواهد. اما چندین برابر شدن استفاده از وسائل جلوگیری، استفاده وسیع تر از کاندوم و آی یو دی، وقتی تامین رایگان اینها سیاست دولت باشد، زمان زیادی احتیاج ندارد. آمار حاملگی های ناخواسته را بسرعت می شود پائین آورد. وقتی صحبت برقراری روشها و معیارها و نرم های مدرن در ایران می شود، خیلی ها فوراً تصویر ساکنان دهات پرت افتاده را از مردم ایران می دهند و می نالند که مردم "فرهنگش را ندارند". اما ایران یک جامعه عمدتاً شهری است. اکثریت عظیم این مردم جوانانی اند که مدرسه می روند و حتی اگر ساکن دهات دورافتاده هم باشند، دلشان و فکرشان پیش شهر و الگوهای امروزی زندگی است. مردم ایران "ملت" روزنامه توفیق و "امت" جماعت خمینی نیستند. اعضای یک جامعه سرمایه داری در انتهای قرن بیستم و در دوران تحولات فنی و ارتباطاتی این عصرند. کمپین آموزش جنسی و گسترش امکانات جلوگیری در

اجرای فوری این بند برنامه انتقاد کنند؟

منصور حکمت: اولاً، اینکه آمار جنین های سقط شده حتی در کوتاه مدت بالا می رود مسجل نیست. بنظر من بالا نمی

حیات انسانی تقسیم پذیر و درجه بندی پذیر نیست، ربطی به استقلال و تحرک و سن و شعور و رنگ و جنسیت و ملیت و زمان و مکان و سالم و معلول بودن انسانها ندارد.

رود، چون شاخصهایی که باید باهم مقایسه کرد آمار عمل سقط جنین قبل و بعد از قانونی شدن نیست، بلکه باید مجموع سقط جنین ها (چه رسمی و چه مخفیانه) و "بچه انداختن" ها توسط خود مادر را در دو دوره با هم مقایسه کرد. موارد انداختن بچه توسط خود مادر، از طریق بار بلند کردن، خود را پرت کردن و غیره در ایران بشدت بالاست تا جایی که این عمل بخشی از فولکلور این کشور است. این موارد "سقط جنین"، هیچ جا ثبت نمی شود. قانونی شدن سقط جنین آمار مراجعه به پزشک برای سقط

کاهش موارد سقط جنین در گرو دو عامل اصلی است، اول گسترش روابط جنسی ایمن و دسترسی عموم به امکانات رایگان و مناسب جلوگیری و دوم مبارزه با مردسالاری و زن ستیزی نه فقط در افکار بلکه در مناسبات و روابط اجتماعی و اقتصادی.

جنین را بالا می برد اما در عوض آمار این نوع بچه انداختن ها را کمتر می کند. از طرف دیگر کم شدن موارد بچه انداختن یا سقط جنین های مخفیانه به نفع سقط جنین قانونی کمک می کند که این زنان در تماس با مقامات و نهادهایی قرار بگیرند که، مطابق برنامه ما، قصد کمک و حمایت مادی و معنوی از آنها را دارند و یکی از کارهای این نهادها تلاش برای تشویق مادر

جامعه ضروری بنظر می رسیدند، حیرت می کنیم. آنها هم این رسم را نشان توحش ما و بی ارزشی انسان در زمانه ما خواهند دید. و در پاسخ نکته آخر بگذارید بپرسم چه کسی

بیشتر برای تکامل و گسترش روشهای جلوگیری دل خواهد سوزاند، آنکه می خواهد از سقط جنین بعنوان یک عمل ناگوار اجتناب شود، یا کسی که به سقط جنین بعنوان یک راه حل بی عیب و قابل قبول دیگر برای بچه دار نشدن و کنترل جمعیت نگاه می کند؟

ثریا شهابی: در فردای تحولات سیاسی ایران وقتی مطالبات برنامه حزب کمونیست کارگری ایران بشکل قانون به تصویب برسد و سقط جنین قانونی بشود، به احتمال زیاد آمار سقط جنین فوراً به مراتب بالا می رود. تصویب قانون

آزادی سقط جنین یک اقدام فوری است و دولت موظف به اجرا و رعایت آن است، در حالی که آموزش وسیع راههای جلوگیری، آموزش جنسی و فراهم کردن امکانات رابطه جنسی ایمن پروسه طولانی تری است که زمان می خواهد. آیا این ازدیاد فوری آمار سقط جنین با هدف برنامه که کاهش موارد سقط جنین است تناقض ندارد و آیا مخالفان سقط جنین محق نیستند به این خاطر به

رشد خود را شروع کرده است. اما بحث احترام به حیات انسانی بحثی بیولوژیک نیست. بحثی فلسفی است. یا بهتر بگویم، احترام به حیات بیولوژیک انعکاس احترام فلسفی به حیات است. احترام به پتانسیل و محتوای حیات انسانی. این احترام نشان تعقل بشر است و نه توکل و خرافه مذهبی. اگر حیات انسانی در هر شکل بی حرمت شود، حیات انسانهای کنکرت، انسانهای واقعا موجود، بی ارزش می شود. حیات انسانی تقسیم پذیر و درجه بندی پذیر نیست، ربطی به استقلال و تحرک و سن و شعور و رنگ و جنسیت و ملیت و زمان و مکان و سالم و معلول بودن انسانها ندارد. بحث ما، لااقل بحث من بعنوان نویسنده برنامه حزب، این نیست که ما باید تخمک های بارور شده و سلولهای درحال تقسیم را "مقدس" بدانیم. بحث من اینست که جامعه ای که در آوردن جنین از شکم مادر و بریدن روند زندگی ای که شروع شده را تحمل می کند و بلا مانع می داند، و چه بسا روی آن بعنوان راه جلوگیری از گسترش جمعیت، شرط ادامه تحصیل زن، شرط اجتناب از فقر و غیره، حساب هم می کند، ارزشی برای انسانهای سقط نشده اش قائل نیست. بی ارزشی جنین، انعکاس بی ارزشی ماست و این بی ارزشی را تحکیم می کند. روزی اعقاب ما تمدن ما را مطالعه خواهند کرد و از رسم سقط جنین حیرت خواهند کرد. همانطور که ما از قربانی کردن جوانها در پیشگاه رب النوع های مختلف و سوزاندن "ساحره" ها که در روز خود به همین اندازه برای پاسخگویی به قحطی و خشکسالی و تنگناهای اقتصادی و معنوی

زنده باد برابری! زنده باد آزادی!

چقدر بالا خواهد رفت، کسی که در ایمنی نیروگاه اتمی با علم به افزایش آمار سرطان خون در کودکان محل صرفه جویی می کند، رئیس جمهوری که حکم بمباران جایی را صادر می کند، چریک یا تروریستی که بمب می گذارد همه و همه آگاهانه در بیجان کردن انسانهای واقعی شرکت می کنند. اما جامعه لزوماً همه این اعمال را قتل و همه عاملین آنها را قاتل نمی شمارد. تلقی شخصی ما می تواند با تلقی جامعه متفاوت باشد. تلقی شخصی ما می تواند مبتنی به اصول انسانی مطلق و تفسیر ناپرداری باشد. اما تلقی جامعه از اینکه جنایت چیست نسبی و از نظر تاریخی مشروط و متغیر است. زمانی بود که کشتن فرزند و همسر توسط مرد جنایت محسوب نمی شد. آقای ابراهیم خلیل در اسلام و یهودیت در روز روشن قرار بود فرزند خود را در یک عملیات شنیع خدانشناسانه سرببرد که خوشبختانه بقول سیاوش مدرسی در آخرین لحظه معلوم می شود خداوند شوخی کرده و قصد آزمون ایشان را داشته. در همین دنیا در گذشته ای نه چندان دور کشتن اسرای جنگی و بردگان جرم نبود. تادهه هفتاد همین قرن ما بدار کشیدن و باصطلاح لینچ کردن سیاهان توسط نژادپرستان سفید در آمریکا قتل محسوب نمی شد. کسی ترومن را بخاطر کشتار هیروشیما و ناکازاکی قاتل شمرده است. در آمریکا به اسم این آدم کتابخانه هست. تلقی اخلاقی و حقوقی جامعه از یک عمل انعکاسی از حساسیت معنوی و عاطفی جامعه نسبت به آن امر در آن عصر خاص است. این حساسیت حتی در یک دوران واحد در حوزه های فرهنگی مختلف متفاوت است.

درست نیست. چون جنایت و قتل یک مقوله حقوقی است و تعریف اجتماعی دارد و نه شخصی. هرکس را باید در متن نرم ها و سنتهای جامعه معاصرش قضاوت کرد. جامعه به همه اشکال از بین بردن

جانی قرار می گیرد که مرتکب قتل عمد شده و این منصفانه نیست.

منصور حکمت: از این گفته که سقط جنین بریدن روند تکامل انسانی است که حیات خود را شروع کرده، تا این ادعا که

اجازه سقط جنین حق انتخاب زیادی نیست. آزادی سقط جنین مثل قرص سیانوری است که چریکها زمان شاه با خود داشتند. امکانی برای یک خروج دردناک از واقعه ای دردناک تر. اجازه سقط جنین از جنس اجازه خودکشی است. آزادی سقط جنین اجازه نابود کردن جنین خود برای اجتناب از عواقب ناگوار فرزند داشتن در جامعه موجود است.

انسانها در عصر ما قتل اطلاق نمیکنند. واقعیت اینست انسانها در اشکال بسیار متنوعی دارند یکدیگر را در این جهان از حق حیات محروم می کنند. سربازی که در جنگ آدم می کشد، عضو هیات منصفه ای که رای به حکم اعدام کسی می

مادر مرتکب قتل عمد یا جنایت شده است یک دنیا فاصله است. چسباندن اینها بهم نه نشان تلاش صمیمانه برای فهم مساله است و نه تبلیغ کارسازی است علیه فرمولبندی برنامه ما. این سفسطه گری است. بنظر من کسی که عمل سقط جنین را از نظر اصولی عمل بی عیبی می داند باید همین را بگوید و صراحتاً از همین دفاع کند. از قول دیگران بخود اتهام زدن و بعد برافروخته شدن جواب مساله نیست. منتها این نوع اعتراض یک چیز را می رساند: معنی این اعتراض اینست که اگر روزی به منتقد مربوطه ثابت شود که کودک امتداد طبیعی جنین و جنین آغاز ناگزیر یک انسان است، آنگاه خود او سقط جنین را قتل و جنایت خواهد دانست. و این موضع محکمی برای یک مدافع سقط جنین نمی تواند باشد.



دهد، دکتری که از سر ترحم مرگ بیمار محتضری را جلو میاندازد، دولتی که بیمه درمانی را کاهش می دهد و دقیقاً می داند آمار مرگ و میر

بهررو، بنظر من اطلاق جنایت یا قتل به سقط جنین (در محدوده زمانی ای که در قوانین امروز اروپا رایج است)

ایران بنظر من با راندمان بسیار بالایی در ایران جلو خواهد رفت. یک واقعیت را البته باید در نظر داشت. این امر بدون مبارزه قاطع با اسلامیون و قشریون عملی نیست. جریانی میتواند این برنامه را اتخاذ کند که از نظر سیاسی به یک مبارزه قاطع با تعصبات مذهبی و قشریگری متعهد باشد. و این قبل از هرکس کار طبقه کارگر و کمونیستهاست.

در هر حال کاهش موارد سقط جنین در گروه دو عامل اصلی است. اول گسترش روابط جنسی ایمن و دسترسی عموم به امکانات رایگان و مناسب جلوگیری و دوم مبارزه با مردسالاری و زن ستیزی نه فقط در افکار بلکه در مناسبات و روابط اجتماعی و اقتصادی، به نحوی که بارداری و زایمان و مادر شدن کوچکترین تاثیر منفی ای در موقعیت اقتصادی و اجتماعی و شغلی و معنوی زن در جامعه و خانواده نداشته باشد و بچه دار شدن به یک انتخاب آزاد و فکر شده مردم و یک واقعه خوشایند در زندگی آنها تبدیل شود. قانونی شدن سقط جنین یک رکن یک سیاست همه جانبه برای تحقق این هدف است و باید در کل این مجموعه نگریسته بشود و نه بعنوان یک اقدام منفرد و قائم بذات.

ثریا شهابی: برنامه حزب سقط جنین را "از میان بردن عامدانه جنین انسانی" دانسته است و خودت هم در صحبتهایت اشاره کردی که سقط جنین در هر سنی "بریدن روند تکامل انسانی است که عمر خود را شروع کرده است." کسانی از این توصیف نتیجه می گیرند که پس انجام سقط جنین از دیدگاه برنامه حزب یک جنایت است و مادری که رای به چنین عملی می دهد در موقعیت یک

رهائی زن رهائی جامعه است!

غیر اخلاقی و ریاکارانه ای را به پزشکان، چه موافق و چه مخالف سقط جنین، تحمیل کرده. می گویند اگر سقط جنین عملی قانونی است، انتخابش نیز باید با خود زن باشد.

موضع ما هم همین است. **ثریا شهابی:** بیشتر گفתי اطلاق "حق انتخاب" به اجازه سقط جنین چیزی مثل دادن انتخاب پرت شدن یا خود را پرت کردن از لب پرتگاه است. بعضی از فمینیستها و طرفداران حقوق زنان معتقدند که حق سقط جنین یکی از مهمترین حقوقی است که به زن امکان انتخاب می دهد. انتخاب مادر شدن و نشدن، و انتخاب زمان مادر شدن.

منصور حکمت: من با تلقی بخش اعظم جنبش فمینیستی از هویت اجتماعی زن و خودآگاهی زن مشکل دارم. اینها زن را یک صنف و یا قوم اقلیت تصویر می کنند که باید حق صنفی اش را بگیرد و پی کارش برود و کاری به دنیا و اعمال کنترل بر سرنوشت جهان و جامعه انسانی نداشته باشد. بنظر من در بحث سقط جنین زن یک اقلیت شاکی و محروم نیست که قرار است جیره حقه اش را بصورت اجازه سقط جنین بگیرد و برود و کاری به مسائل اجتماعی، معنوی، فلسفی و تاریخی این معضل نداشته باشد. در تصویر اینها در بحث سقط جنین زن همیشه فقط در قامت مشتری حامله کلینیک ظاهر می شود، نه رهبر جامعه، نه فیلسوف و ایدئولوژی که باید بالاخره راجع به حیات و هویت انسانی جنین و حرمت آدمی و غیره اظهار نظر کند، نه انسانی که جدا از جنسیتش می تواند راجع به این مسائل نظر داشته باشد و امر داشته باشد و بخواهد دنیا را به سمت خاصی ببرد. زن در مکتب اینها حامله ای است که نمی خواهد حامله باشد و کاری

منظور وارد شده است که جای تفسیر را باز بگذارد و عملاً به پزشک اجازه بدهد که به خواست زن برای سقط جنین مهر تائید بزند. این سیستمی

در تصویر فمینیستها در بحث سقط جنین زن همیشه فقط در قامت مشتری حامله کلینیک ظاهر می شود، نه رهبر جامعه، نه فیلسوف و ایدئولوژی که باید بالاخره راجع به حیات و هویت انسانی جنین و حرمت آدمی و غیره اظهار نظر کند، نه انسانی که جدا از جنسیتش می تواند راجع به این مسائل نظر داشته باشد.

است که امروز در انگلستان برقرار است. از نظر عملی سقط جنین در انگلستان مقدور است و به خواست زن صورت میگیرد. اما از نظر حقوقی این پزشک است که تصمیم می گیرد. اگر پزشکی درخواست زن برای سقط جنین را تائید نکند، که البته گاه اتفاق میافتد، زن به دکتر دیگری مراجعه می کند و تائیدیه را از او می گیرد. این روش ریاکارانه امروز هم صدای مردم و هم پزشکان را در آورده است. اگر دکتر کسی مخالف سقط جنین باشد، دوندگی زیاد و احتمالاً حتی تاخیر جدی در انجام عمل را به او تحمیل می کند. بعبارت دیگر بسته به معیارهای اخلاقی پزشک محل، شهروندان انگلستان از حقوق و امکانات

بنظر من در بحث سقط جنین زن یک اقلیت شاکی و محروم نیست که قرار است جیره حقه اش را بصورت اجازه سقط جنین بگیرد و برود و کاری به مسائل اجتماعی، معنوی، فلسفی و تاریخی این معضل نداشته باشد.

متفاوتی در امر سقط جنین برخوردارند. از طرف دیگر، پزشکان بدست اعتراض می کنند که عمل آنها یک تشخیص پزشکی نیست، بلکه یک راهگشایی اجتماعی برای زنان است. کاری که می بایست وظیفه قانون باشد. این موقعیت

جسمی و روحی مادر این اجازه را صادر کند و این امر مورد اعتراض پزشکان زیادی قرار گرفته است. در برنامه حزب کمونیست کارگری اجازه

سقط جنین به انتخاب مادر واگذار شده است. "اجازه دکتر" یا "انتخاب مادر"؟ این تقابل کجای بحث برنامه حزب قرار می گیرد. منظورم این است که آیا واگذاری اجازه سقط جنین به اجازه دکتر در بحثهای مربوط به سقط جنین در برنامه جایی داشت و اگر نداشت چرا؟

منصور حکمت: مقوله اجازه دکتر، مگر برای سقط جنین بعد از دوازده هفتگی، از ابتدا در نوشتن متن برنامه مطرح نبود، چون صورت مساله، آنطور که واقعا در همه کشورها مطرح است، اختیار و انتخاب زن است. جنبش قانونی شدن سقط جنین جنبشی برای دادن این حق و این انتخاب به زن است. بحث تشخیص دکتر دائر بر

خطر صدمه جسمی و روحی حاملگی برای زن، شیوه ای است که در برخی کشورها سعی کرده اند سقط جنین را عملاً قانونی کنند بی آنکه رسماً روی مجاز بودن این عمل صحت بگذارند. بخصوص کلمه "خطر صدمه روحی" به این

این حساسیت و این واکنش اخلاقی و عاطفی، و لاجرم نتایج حقوقی آن، ابدی نیست و عوض خواهد شد. خیلی از اعمال و روشهای امروز ما حال نسلهای بعد را بهم خواهد زد. اما این تحول در شناخت و برداشت عاطفی جامعه از مسائل باید بطور واقعی و در طول نسلهایی از انسانهای واقعی رخ بدهد. من شدیداً مخالف مجازات اعدام، بنظر من مجازات اعدام ماهیتاً آدمکشی عامدانه با نقشه قبلی است. اما نمی توانم به میل خود هیات منصفه ای را که در آمریکا رای به محکومیت و اعدام متهمی می دهد قاتل بخوانم چون جامعه، و لاجرم خود آنها، این تعریف را از کارشان ندارند. زنی که اقدام به سقط جنین می کند یقیناً از نظر خود جنین را یک انسان، یا یک انسان کامل، نمی داند و تصویری منفی از عمل سقط جنین از فرهنگ و قوانین جاری در جامعه نمی گیرد.

بهرحال همانطور که گفتم ما سقط جنین را قتل و جنایت ننامیده ایم، و خواستار قانونی شدن آن در حدی فراتر از قوانین آمریکا و اروپای غربی شده ایم. اما اینکه جنین مرحله ای از زندگی یک انسان معین است که فی الحال پا به حیات گذاشته است یک حقیقت است. اگر این حقیقت باعث عذاب وجدان کسی در سقط جنین می شود، تفصیر ما نیست. این انتظار که ما برای آسایش خاطر کسانی که قصد سقط جنین دارند این حقیقت را از ذهن خود پاک کنیم و مثلاً وانمود کنیم بچه را "حاجی لک لک" میاورد کمی زیاده روی است.

ثریا شهابی: در برخی کشورها، مثلاً انگلستان، صدور اجازه سقط جنین به انتخاب دکتر واگذار شده است تا بر اساس تشخیص سلامت

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!



به این مسائل دیگر ندارد. این فمینیسم بنظر من روی دیگر سکه مردسالاری ای است که آنهم زن را از دخالت در این عرصه ها باز می‌دارد.

در پاسخ سوال تو، برای زنی که صرفاً جزو اقلیت باردار جامعه نیست و بعنوان یک انسان به مساله جامعه و حیات و حرمت انسانی و برابری اجتماعی می‌پردازد، اجازه سقط جنین حق انتخاب زیادی نیست. آزادی سقط جنین مثل قرص سیانوری است که چریکها زمان شاه با خود داشتند. امکانی برای یک خروج دردناک از واقعه ای دردناک تر. اجازه سقط جنین از جنس اجازه خودکشی است. آزادی سقط جنین اجازه نابود کردن جنین خود برای اجتناب از عواقب ناگوار فرزند داشتن در جامعه موجود است. آزادی سقط جنین لازم شده چون قبلاً آزادی های انسانی متعددی از زن سلب شده است. حق برخورداری از دانش جنسی. آزادی استفاده از وسائل جلوگیری صد درصد ایمن. آزادی خلاصی از اخلاق مذهبی و مردسالارانه در مناسبات جنسی، آزادی رابطه جنسی باز و آزاد که زن در آن بر رفتار جنسی خود اختیار کامل داشته باشد، آزادی داشتن فرزند و حفظ موقعیت اقتصادی و شغلی خویش، آزادی داشتن فرزند بدون اجبار به ازدواج و

زندگی مشترک با مرد، زیر فشار اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی. آزادی بهره گیری از امکانات رایگان و مناسب برای نگاهداری کودک. آزادی داشتن فرزند و داشتن زندگی اجتماعی. حق مصون بودن از تجاوز جنسی چه در خانواده و چه بیرون آن. آزادی انتخاب مادر شدن بدون فدا کردن زندگی و رفاه و سعادت خود بعنوان یک زن و یک انسان. آزادی مادر شدن و تامین رفاه و بهداشت و آموزش و تفریح فرزند خویش.

در غیاب این حقوق است که زن خود را در موقعیت "انتخاب" سقط جنین پیدا می کند. راجع به یک نکته هم باید روشن بود. نفس حامله شدن زن بر خلاف میلش، به این معناست که نتوانسته اراده خود را برای مادر شدن و نشدن و انتخاب زمان مادر شدنش در خود همان پروسه ای که آدم طی آن حامله می شود، یعنی رابطه جنسی، اعمال کند. اگر بناست زن بر مادر شدن و زمان مادر شدنش کنترل و انتخاب داشته باشد باید در

رانه "مثبت" بلکه "منفی" ارزیابی کند، محدود کننده این حق است و عملاً زنان را به حفظ جنین تحت هر شرایطی سوق می دهد. می گویند این بند فضای اخلاقی علیه این کار درست می کند که به نفع زنان نیست و دست کلیسا و مذهب را در محدود کردن حق انتخاب زن باز می گذارد.

منصور حکمت: این نمونه همان تبدیل کردن زن به یک صنف اقلیت تحت الحمایه و صغیر است که گفتم. اینها می خواهند زن حتی از دایره بحث راجع به ماهیت انسانی و فلسفی سقط جنین بیرون و معاف باشد، نگویند و نشود. می خواهند "صنف زن" را حتی از تیررس حقیقت دور و مصون بدارند. تازه در همان دنیای جداسازی شده صنف زنان هم معلوم نیست چرا برای آرامش خاطر و راحتی وجدان آن زنانی که سقط جنین می کنند، باید آن زنانی که معتقدند سقط جنین بهرحال عملی ناگوار است که باید جامعه روزی از آن خلاص شود، ساکت شوند و خود را نسبت به یکی از مهم

آزادی سقط جنین لازم شده چون قبلاً حقوق و آزادی های انسانی متعددی از زن سلب شده است.

ترین معضلات فکری تاریخ بشریت به بی نظری و بیعلاقگی بزندان. اگر سقط جنین یک حق است، جستجو و بیان حقیقت هم حق دیگری است. زن ها در هر دو اینها دینفعند. حتی اگر برخی فمینیستها دینفع نباشند.

در مورد مساله کلیسا، این را زیاد می شنویم که اظهار نظر منفی برنامه نسبت به نفس عمل سقط جنین، علیرغم خواست قانونی شدن آن، آب به آسیاب کلیسا و راست مذهبی می ریزد. استدلال فوق العاده ضعیفی است. نمونه عکس این

قلمرو رابطه جنسی انتخاب و کنترل داشته باشد. این یعنی داشتن دانش جنسی، دسترسی به وسائل جلوگیری ایمن و حضور در یک رابطه جنسی برابر و آزاد و داوطلبانه و بدون از هر نوع تحمیل و تمکین چه مستقیم و چه غیر مستقیم. بیجان کردن جنین قطعاً از مادر شدن زن جلوگیری خواهد کرد، اما زنی مادر نشدنش را به این شیوه "انتخاب" می کند که قبلاً نتوانسته باشد آزادانه زن بودنش را تجربه کند.

ثریا شهابی: برخی معتقدند هر فرمولبندی که حق سقط جنین

را در بحث پورنوگرافی می شود دید. فمینیسم و کلیسا در قبال پورنوگرافی مواضع کاملاً همسویی دارند و حتی کنار هم در صف تظاهرات ظاهر می شوند. آیا می شود گفت اعتراض فمینیستها به پورنوگرافی دست کلیسا را برای افزایش فشار تاریخی اش بر زنان و جلوگیری از آزادی و ابراز وجود جنسی زن باز می گذارد؟ و آیا این همسوئی دلیل کافی برای ساکت شدن فمینیسم در قبال مساله پورنوگرافی است؟

ارزیابی منفی از نفس عمل سقط جنین فقط حرف ما نیست. حرف اکثریت عظیم مردم است. حرف اکثریت عظیم خود کسانی است که سقط جنین را "انتخاب" می کنند و می خواهند قانونی باشد. نظر مشخص مردم راجع به هویت انسانی جنین هرچه باشد، اکثریت عظیم آنها حس می کنند که این کار دردناک و نامطلوبی است و بهرحال با قطع حیات انسانی ربط دارد. این کلیساست که خود را به این عاطفه شریف انسانی می چسباند و می خواهد دکانش را به این اعتبار باز و پررونق نگاه دارد. اتفاقاً این بی عاطفگی، تقلیل گرایی بیولوژیکی و صنفی گرایی فمینیستی است که اجازه این ریاکاری و بلند کردن پرچم احترام به حیات را به مذهب یعنی یکی از مخوف ترین و ضد انسانی ترین نهادهای تاریخ بشر داده است.

این مصاحبه اولین بار در شماره های ۷۳ و ۷۴ نشریه همبستگی در اوت و سپتامبر ۱۹۹۷ منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۳۹۵ تا ۴۱۲، انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷ سوند

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

دنباله مصاحبه با آذر ماجدی

موضوع اعتراضات وسیع شده است، آزادی بی قید و شرط تعدد زوجات است. در ماده ۲۳ این لایحه قید شده است: "اختیار همسر دائم بعدی، منوط به اجازه دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد اجراء عدالت بین همسران می باشد." طبق این بند هر مرد مرفهی میتواند چند زن بگیرد. حد رفاه را هم رژیم تعیین میکند. همسران پیش حق هیچگونه اعتراضی ندارند و نظرشان در نظر گرفته نمیشود.

اما پیش از این هم مردان میتوانستند چند زن بگیرند. تعدد زوجات بخشی از قانون اسلامی است. بیشتر حاجی بازاری ها و آخوند ها چند زنه هستند. و این علاوه بر زنان صیغه است که این قانون هم مثل قبل به رسمیت شناخته است. یک نکته جدید دیگر، دریافت مالیات از مهریه هایی که رژیم غیرمعارف ارزیابی میکند، زمان ثبت عقد است. نکات دیگر لایحه بیشتر تکنیکی است. در واقع این قانون تفاوت ماهوی ای با قوانین قبلی ندارد. کلیت قوانین خانواده این رژیم ارتجاعی و ضد زن است. و این آن نکته ای است که باید صریح و روشن بیان کرد.

رژیم اسلامی بدنبال و در متن سیاست سرکوب هرچه وسیعتر، دستگیری های گسترده، افزایش اعدام ها، اسلامیزه تر کردن جامعه و تحمیل فقر و فلاکت توان فرسا، این لایحه را به مجلس فرستاده است. قصدش بستن هر روزنه تنفس به روی جامعه است. این بنظر من علت ارانه این لایحه در این شرایط است. در حالیکه بطور واقعی و عملی تغییر زیادی بوجود نمیآورد. اکنون

هم هر مردی که بخواهد و وسعش برسد بیش از یک زن بگیرد، بعد از تصویب این لایحه هم اوضاع به همین منوال خواهد بود.

در عمل تصویب این لایحه، بنظر من، چندان تأثیر متفاوتی در وضع زنان نخواهد داشت. اما روشن است که هر بند ارتجاعی ای که در جامعه به تصویب برسد، کل جامعه را به عقب میکشد و باید مورد اعتراض ما قرار گیرد.

آزادی زن: این لایحه از جانب جریانات دوم خردادی و شیرین عبادی هم مورد نقد قرار گرفته است. این جریانات نیز خود را در مقام "مدعی" قرار داده اند. نقد شما به این "نقدها" چیست؟ این لایحه چه جایگاهی در پروژه دوم خرداد و مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی دارد؟

این یک روش شناخته شده و پاخورده است و نه تنها بی حاصلی آن از نقطه نظر جنبش آزادیخواهی روشن شده است، بلکه زیان آن نیز بارها به اثبات رسیده است.

خانم عبادی اصولاً همیشه در صدد نجات اسلام است. بنظر میرسد که ایشان بیشتر نگران وضعیت اسلام است تا حقوق زنان. ایشان همیشه از آخوند مسلمان تر میشوند. بنظر میرسد که ایشان متوجه شده اسلام چگونه از طرف مردم، بویژه نسل جوان زیر حمله و تعرض قرار دارد، به این خاطر میکوشد اسلام را محفوظ دارد. وگرنه حتی بچه های ۹ ساله هم در ایران میدانند که تعدد زوجات عین اسلام است؛ بیحقوقی زن عین قوانین اسلامی است؛ سرکوب زن عین نص صریح قران و سنت

جریان رادیکال و آزادیخواه جنبش حقوق زن باید از این فرصت و فرجه ای که این اعتراض ممکن است فراهم آورد، استفاده کنند و نه تنها این لایحه، بلکه کل قوانین ضد زن رژیم را مورد اعتراض قرار دهند

های اسلامی است.

ایشان به تکاپو افتاده اند و اعلام کرده اند که این لایحه مغایر اسلام است و اگر تصویب شود دست به تحصن خواهند زد. بنظر من مخاطب ایشان در این دور از مبارزه عموماً همسران حاجی بازاری ها و مقامات رژیم است. این شیوه نقد و مبارزه و اعتراضی که صرفاً این لایحه را مد نظر دارد نمیتواند نیروی وسیع و توده ای بسیج کند. بنظر من نیروهای ملی - اسلامی و دو خردادی از تلاش برای بسیج علیه این لایحه هدف سیاسی دیگری را دنبال میکنند. مضحکه انتخاباتی در پیش است، اینها میخواهند کمپین

آذر ماجدی: نقد جریانات ملی - اسلامی و دو خرداد سابق از یک موضع ارتجاعی است. اینها مدعی اند که این لایحه با اسلام در تناقض است. فرضا خانم شیرین عبادی مدعی شده است که چند همسری مغایر با اسلام است، با این استدلال که اسلام میگوید مرد در صورتیکه بتواند عدالت برقرار کند مجاز است چند همسر انتخاب کند و هیچکس جز پیغمبر نمیتواند عدالت برقرار کند، پس چند همسری مغایر اسلام است. هیچکس این استدلال را جدی نمیگیرد و لازم نیست که در افشای آن چندان قلمفرسایی کنیم. حداکثر گفته خواهد شد که خانم عبادی دارند به رژیم تاکتیک میزنند.

انتخاباتی خود را با اعتراض به این لایحه آغاز کنند. و با این اعتراض فرصت را برای دوران انتخابات آماده سازند.

دلیل و محرکه دو خردادی ها هر چه باشد، جریان رادیکال و آزادیخواه جنبش حقوق زن باید از این فرصت و فرجه ای که این اعتراض ممکن است فراهم آورد، استفاده کنند و نه تنها این لایحه، بلکه کل قوانین ضد زن رژیم را مورد اعتراض قرار دهند و خواهان آزادی فعالین حقوق زن از زندان شوند.

آزادی زن: مولفه های اصلی یک مبارزه موفق علیه رژیم اسلامی و نقطه تمرکز نقد زن ستیزی رژیم اسلامی بنظر شما کدامست؟ بر چه محورهایی باید تاکید کرد؟ مبارزه علیه لایحه خانواده رژیم اسلامی چه جایگاهی در این مجموعه دارد؟ ظرایف این مبارزه کدام است؟

آذر ماجدی: کلیت موجودیت رژیم اسلامی ضد زن و زن ستیز است. زن ستیزی بعنوان یک خصلت هویتی اساسی این رژیم و کل جنبش اسلامی شناخته شده است. هر حرکت زنان برای کسب حقوق و تامین شخصیت مستقل و انسانی خود مستقیماً قلب این رژیم را نشانه میگیرد. جنبش حقوق زن یکی از قوی ترین و گسترده ترین جنبش های اجتماعی و اعتراضی در جامعه است. لذا هر حرکت سازمانیافته زنان علیه قوانین زن ستیز ارکان رژیم اسلامی را به لرزه درمیآورد. بنظر من تاکید اینجا بر سازمانیافتگی است تا مطالبه معین. اما حرکت خود انگیخته و فردی زنان در مبارزه علیه حجاب و شکستن دیوار آپارتاید جنسی که به وسعت کل جامعه است، خصلت واقعی و ضد اسلامی جنبش صفحه بعد حقوق زن را بیان

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!

دنباله مصاحبه با آذر ماجدی

میکند. رژیم اسلامی در راس جنبش اسلام سیاسی، حجاب و آپارتاید جنسی را به بیرق سیاسی و ایدئولوژیک خود بدل کرده است. مقاومت گسترده زنان در ایران این بیرق را هدف گرفته است. آنچه به شکل جنبش سازمانیافته حقوق زن بروز دارد به دلایل مختلف، از جمله هراس از سرکوب و همچنین بخاطر ماهیت ملی - اسلامی رهبران علنی آن این دو مساله اساسی را مطرح نمیکند. به حجاب و آپارتاید جنسی که خواست عمیق و توده ای زنان در ایران است نمی پردازد و صرفاً بر حقوق خانواده متمرکز شده است.

بنظر من این یک ضعف اساسی این جنبش است. باید کوشید با در نظر گرفتن کلیه ظرائف مبارزه علیه یک رژیم جنایتکار و سرکوبگر و همچنین تکنیک های مبارزه توده ای ضمن حفظ امنیت فعالین، این خواست های اساسی را مطرح کرد. بطور مثال کمپین یک میلیون امضاء در میان جامعه گسترده تر شده است، اما مطالباتش محدودتر شده. اکنون در میان فعالین سرشناس آن مباحث جدلی در مورد شکل و شیوه سازماندهی مطرح شده که نشانه بروز گیج سری ها و بعضاً بحران فکری این جنبش است. باید به این

مباحث و جدل ها در جای دیگر پرداخت. در اینجا فقط یک نکته را متذکر می شوم. بنظر من این دوستان سوراخ دعا را گم کرده اند. ضعف اصلی این جنبش در رهبری ملی - اسلامی آن نهفته است. در محدود کردن مطالبات و تخفیف در خواست ها و آرمان های جنبش آزادی زن.

تمرکز بر ماده ۲۳ لایحه خانواده را نیز باید در همین متن بررسی کرد. بطور مثال

همسر اختیار کنند. این لایحه نیز تفاوت ماهوی در این مساله ایجاد نمیکند. باید چندهمسری و صیغه بکلی ملغی شود.

آزادی زن: فراخوان سازمان آزادی زن به مدافعین حقوق زن در این رابطه چیست؟

آذر ماجدی: همانگونه که پیش از این نیز اشاره کردم، فعالین حقوق زن باید از هر فرصت و فرجه ای که ایجاد میشود، استفاده کنند و امر برابری زن و مرد و مبارزه علیه رژیم

زنان تحت یک رژیم اسلامی هرگز نخواهند توانست هیچیک از خواست های خود را بدست آورند.

اسلامی را به پیش برند. در این شرایط باید بر بیحقوقی زن در قوانین بطور کلی متمرکز شد. باید مطالبات عمومی تر زنان را طرح کرد، لغو آپارتاید جنسی و حجاب، برابری زن و مرد در عرصه خانواده باید در مرکز این مطالبات باشد. باید صریحاً اعلام کرد که شرط لازم دستیابی به این برابری حقوقی سکولاریسم است. زنان تحت یک رژیم اسلامی نخواهند توانست هیچیک از خواست های خود را بدست آورند. بعلاوه باید مبارزه برای آزادی فعالین دستگیر شده را نیز شدت بخشید. مبارزه با سرکوب کلید پیشروی جنبش است.

ممکن است در مقابل این

این فعالین این لایحه را به طنز لایحه "ضد خانواده" نام گذاشته اند. دارند میکوشند در زمین ایدئولوژیک رژیم اسلامی با آن درگیر شوند. در حالیکه جنبش آزادی زن نباید در دام چنین تعرضات دفاعی و انحرافی بیافتد. جنبش آزادی زن با جنبش اسلامی جدلی بر سر مقوله خانواده یا ضد خانواده ندارد. این مقوله از نظر این دو جنبش هیچ قرابتی با یکدیگر ندارند. کل قوانین خانواده ضد زن و ارتجاعی است، چه آن چیزی که تاکنون اجرا میشد، چه این لایحه جدید. این شیوه اعتراض دفاعی این توهم را ایجاد میکند که اوضاع تاکنون چندان هم ایرادی نداشته است. مردان همواره تحت رژیم اسلامی میتوانسته اند چند

ارتباط تلفنی او با مرد دیگری، قهر کرده به خانه پدری اش رفته بود. اما بعد از ۸ ماه پس از آشتی با شوهر به دست یکی برادرانش به این دلیل که چرا بدون اجازه برادرانش چنین تصمیمی گرفته است هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.

قتل ناموسی دیگر

در مریوان تجاوز به زن جوانی به نام امیره دادگستر موجب شد او به دست اعضای خانواده اش کشته

قتلهای ناموسی در تهران و مریوان

قتل ناموسی سیمین در مریوان

روز ۲۵ تیر ماه، روستای دزلی در منطقه اورامان مریوان شاهد قتل زنی تحت پوشش دفاع از ناموس بود که اعتراض اهالی و زنان مریوانی را برانگیخت و به حرکتی جمعی در اعتراض به سنت قتل های ناموسی تبدیل شد. سیمین نصرالهی ۲۲ ساله در پی اختلاف و تهمت شوهرش به

فراخوان اعلام شود که شرایط سرکوب آن چنان سخت است که امکان بیان این مطالبات وجود ندارد. ما شاهدیم که زنان بطور فردی مدام بر سر حجاب و آپارتاید جنسی با مامورین رژیم درگیر میشوند. جنبش دانشجویی در یکی دو سال اخیر بر سر خواست لغو آپارتاید جنسی تحرکات قابل توجهی داشته است. باید بتوان این تحرکات را بشکل سازمان یافته به پیش برد. باید برای این هدف مبارزه کرد. وگرنه مبارزه ای که برای لغو یک بند محدود اسلام را مدافع برابری زن و مرد قلمداد میکند زیانناش از فایده اش بیشتر است. این آن نکته اساسی است که مدافعین حقوق زن باید به آن توجه کنند. نباید بخاطر مقابله با سرکوب، هر نوع استدلال و توجیه زیان آور را بپذیرند یا بکار گیرند. این به امر سازماندهی و تشکل و اتحاد جنبش آزادی زن و ضربات جدی وارد میاورد.

سازمان آزادی زن علیه این لایحه و علیه کلیت قوانین و سنت های عقب مانده، سرکوبگر و ارتجاعی اسلامی مبارزه میکند. از این فعالین میخوام که روابط نزدیک تری را با سازمان آزادی زن برقرار کنند، تا بتوان به شکلی موثرتر، رادیکال تر برای مطالبات زنان مبارزه کرد.

مشکلاتی که برای ما ایجاد کرده بود، ابتدا خواستم، با بستن دهانش و ریختن نفت به رویش او را بنترسانم اما عکس العمل او مرا عصبانی تر کرد و در يك لحظه کبریت را روشن و رویش پرتاب کردم.

مرد همسرکش تهرانی خودش را به پلیس معرفی کرد

مرد جوانی که به خاطر شك به همسرش او را به قتل رسانده بود پس از معرفی خود به پلیس گفت،

شود. امیره دادگستر اول توسط عده ای ربوده شده و مورد تجاوز قرار میگردد و سپس توسط خانواده خود بعلت این تجاوز کشته میشود.

قتل دختر جوان در تهران

شامگاه پنج شنبه، ۱۰ مرداد دختر جوان ۲۷ ساله ای توسط پدر و برادرش به آتش کشیده شد در تحقیقات پلیس، پدر سمیه اعتراف کرد و گفت به خاطر فرارهای مکرر دخترم از خانه و

رهائی زن همین امروز!

دعوا بر سر چیست؟

قسمت اول

لایحه خانواده در ایران به موضوع جدل هفته‌های اخیر در ایران در میان طرفداران حقوق زنان و فعالین این عرصه تبدیل گشته است. مشکل جدی بعضی از فعالین با بند ۲۳ لایحه میباشد که می‌گوید مردان بدون اجازه همسر اول خود، به شرط دارا بودن تمکن مالی و اجرائی عدالت، می‌توانند ازدواج مجدد داشته باشند. استدلال مخالفین این بند بر مبنای همپاشی نهاد خانواده است و نگرانی از پاشیده شدن بنیاد خانواده بیشترین اعتراض را موجب گردیده است.

تلاش فعالین حقوق زنان در ایران، در شرایطی که رژیم هر روز با سبعیت بیشتری با جنبش برابر طلبی برخورد میکند و احکام زندان برای زنان فعال صادر می‌کند، طبعاً قابل تحسین است و حتماً اثرات خود را هم خواهد داشت. اما اینکه این فعالین تمام اعتراض و فشار خود را روی یک بند این لایحه گذاشته‌اند و به چند همسری متعرض‌اند جای سوال است.

لایحه خانواده ای که به مجلس هشتم ارائه شده است لایحه ای برای تکمیل قانون اساسی جمهوری است. لایحه ای که قرار است و باید قانون اساسی

را تکمیل کند و نمی‌تواند در مقابل آن قرار گیرد. نگاهی به هر ماده‌ای این لایحه می‌تواند تصویری کامل از موقعیت کنونی خانواده در ایران را ارائه دهد. لایحه اساس قضاوت را به دادگاه‌های حقوقی حوزه‌های مختلف می‌سپارد که هم اکنون با توجه به عرف و قوانین شریعت این وظیفه را به پیش می‌برند. لایحه اگرچه سخن از تشکیل دادگاه‌های خانواده به میان می‌آورد ولی هیچگونه ضرب الاجل قانون و زمانی برای تشکیل این دادگاهها ارائه نمیدهد.

ماده دوم این لایحه می‌گوید که دادگاه باید با حضور رئیس دادگاه و دو مستشار تشکیل شود که یکی از مستشاران حتی المقدور از بانوان دارنده پایه قضایی باشد. چه کسی حتی المقدور را معنا میکند و چه تضمینی وجود دارد که این حتی المقدور به باید تبدیل شود؟ چه تضمینی وجود دارد که این مستشار زن مقدور شود. رئیس دادگاه و صلاحیت وی، مستشارانش و وکلای چه کسی و چه قانونی تضمین میکند؟

ماده ۳ خواهان تاهل رئیس دادگاه است. تاهل رئیس دادگاه چه رابطه ای با قابلیت وی برای قضاوت می‌تواند داشته باشد؟ آیا فقط متاهلین می‌توانند قاضی باشند؟ آیا یک قاضی خوشنام و مجرب که تصمیم گرفته است تنها زندگی کند

نمی‌تواند قاضی خوبی باشد؟ آیا همین بند کلیت این لایحه را به زیر سوال نمی‌برد؟

ماده ۴ در چندین بند موارد دعاوی خانواده را اسم می‌برد. این موارد بطور مختصر از این قرارند: نامزدی و خسارات ناشی از برهم خوردن آن، نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح، طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، نفقه اقارب، مهریه و نفقه زوجه و سایر حقوق قانونی ناشی از رابطه زوجین، جهیزیه، حضانت و ملاقات طفل، نسب، نشوز و تمکین زوجین، ولایت قهری، قیومت و امور راجع به ناظر و امین محجوران، رشد، حجر و رفع آن، شروط ضمن عقد نکاح، سرپرستی کودکان بی سرپرست و اهداء جنین.

خواننده این سطور باید چند بار این لیست را بخواند و تازه متوجه شود که این لیست بسیار بالا بلند چیزی نیست جز همان دعوی اصلی از میان برداشتن اسلامی حقوق زنان، یعنی صدور مجوز برای ازدواج موقت یا به تعریفی روشن تر فحشای رسمی و شرعی، فسخ خودسرانه نکاح، و همچنین حق قانونی زن برای نگهداری از فرزند.

فصل سوم این لایحه ازدواج میباشد. دعوی اصلی در این فصل بر سر ازدواج مجدد است. ماده ۲۳ از احراز توانائی مالی مرد و تعهد عدالت

نام می‌برد. اینکه عدالت چیست و در جمهوری اسلامی عدالت معنایی ویژه خود را دارد شکی نیست. اگر توانائی مالی شرط داشتن همسران متعدد است و عدالت را فقط متمولین اجرا میکنند، پس باید همه‌ی مردان متمول جهان حرمسراهای چند صد زنی را اینجا و آنجا افتتاح کنند و با زنان خود عیش عشرت کنند. ماده ۲۳ تحجر قانونی اسلامی و سرکوب و بردگی زن را به روشنی و گویائی نشان میدهد. این بند رابطه انسانها را به معامله و ثروتهای شخصی مرد ربط میدهد و عملاً خانواده را به محلی برای ستم کشی جنسی زن تبدیل می‌نماید. مرد سالاری را قانونی میکند و به مرد به عنوان رئیس اصلی خانواده که تمولش مجوز هرگونه اختیاری است قدرت بیشتری میدهد.

مردانی که چند همسری را اختیار کرده‌اند در ایران و کشورهای اسلام زده زیاندند. اما نه اکثریت را تشکیل میدهند و نه میتوان از این پدیده بعنوان روندی عادی در جامعه ایران نام برد. آنچه که این ماده را تعریف میکند فقط و فقط نشان از سیاستی ضد زن است که میخواهد هرچه بیشتر موقعیت زنان به عنوان انسانهای تحت ستم در جامعه ایران را به تباهی بکشد.

پروین کابلی

شینی همچون گلوله به بدن مقتول وجود داشته اما آثار خفگی نیز مشاهده شده است. نقل هر چهار خبر از سایتهای مختلف خبری ایرانی

کردم. اما همسرم با اظهاراتش مرا عصبانی کرد و من هم در یک لحظه او را خفه کردم و از باغ خارج شدم. اظهارات متهم به قتل در حالی است که بنا بر اعلام نظر پزشکی قانونی، اثر برخورد

حال آموزش رانندگی توسط يك مرد بود، دیدم. به همراه برادرم، نفیسه را با تهدید و اجبار با موتورسیکلت به و با تهدید چاقو او را به باغی در کرج که از قبل می‌شناختم بردم و با او صحبت

اخبار قتل‌های ناموسی از صفحه قبل

این اواخر به حرکات همسرم، نفیسه، مشکوک شده بودم و روز حادثه، او را در يك خودرو که در

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می‌کند. مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی، azarmajedi@yahoo.com

سردبیر پروین کابلی، parvinkaboli@yahoo.se، Tel: +46 707 744 020

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، esmail_owji@yahoo.com

زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!